



Gold Standard
(1870-1971)



Fiat Standard
(1971-20XX)



Bitcoin Standard
(2009-?)

عصر تراکش



ASAFETAAAHONESH.IR

ماهنامه اختصاصی مدیران
فناوری های مالی ایران

در عصر فرسایش استانداردها، پناهگاه کجاست؟ جایگاه طلا، فیات و بیت کوین در سال ۱۴۰۵

بی پناهی پول

در تاریخ معاصر قرار بود پول پاسخ باشد، نه مسئله. قرار بود عدم قطعیت را مهار کند و باعث شود فاصله امروز تا فردا را تاب بیاوریم. سکه‌ای که وزنش تضمین بود، اسکناسی که پشت آن دولت ایستاده بود و بعدتر دلاری که پس از جنگ جهانی دوم به ستون ذخیره جهان تبدیل شد و سایر ارزها نسبت خود را با آن تعریف کردند، همگی بر یک پیش فرض استوار بودند: اینکه می توان بر نوعی استاندارد غالب تکیه کرد. آنچه امروز تغییر کرده فروپاشی این استاندارد نیست، بلکه فرسایش حس بدیهی بودن آن است. دلار سقوط نکرده، طلا بی اعتبار نشده و بیت کوین هم جهان را تسخیر نکرده است. اما آن خاطر جمعی کم در دسری که بر یک ستون واحد بنا شده بود، دیگر به قوت گذشته پا برجا نیست. سال ۱۴۰۵ در شرایطی آغاز می شود که در بسیاری از اقتصادهای بزرگ بدهی دولت ها به رقمی رسیده که در زمان صلح کمتر تجربه اش را داشته اند. سیاست پولی بیش از گذشته در معرض فشارهای سیاسی قرار دارد و جنگ های تجاری و مالی از استثنا به قاعده تبدیل شده اند. هم زمان، فناوری نیز در حال بازنویسی زیرساخت های مالی است؛ از پرداخت های آنی گرفته تا دارایی های دیجیتال و ارزهای دیجیتال بانک مرکزی. در چنین فضایی، پرسش اصلی صرفاً این نیست که کدام دارایی بازدهی بیشتری دارد، بلکه این است که اگر خود استانداردها دچار تزلزل شوند، در کجا باید پناهگاه را جست و جو کرد.



رضا قربانی
مدیرعامل
کارخانه نوآوری
راه کار



سیف‌الدین آموس

است حرکت به سوی توزیع قدرت تعبیر کرد. احتمالاً در جهانی که چند ارز و چند شبکه‌ی پرداخت نقش آفرینی می‌کنند، نوسان بیشتر و ایجاد هماهنگی دشوارتر خواهد شد، اما تمرکز ریسک نیز در آن کمتر است.

در چنین شرایطی، حتی در سطح خرد نیز رفتار سرمایه‌گذاران تغییر کرده است. کمتر کسی به یک دارایی ایمان مطلق دارد. سبدها متنوع‌تر شده‌اند و مفهوم «پناهگاه مطلق» جای خود را به «مدیریت ریسک» داده است. این تغییر ذهنیت، شاید مهم‌ترین نشانه‌ی گذار به عصر جدید باشد.

و اگر بخواهیم این تغییر ذهنیت را از سطح تحلیل کلان به زندگی روزمره بیاوریم، تصویر روشن‌تر می‌شود. امروز یک خانواده‌ی معمولی در ایران، پس‌اندازش را بین خرید چند چیز پخش می‌کند: کمی طلا، چند صد دلار، شاید مقدار محدودی تتر یا بیت‌کوین و مقداری هم سپرده ریالی. هیچ‌کدام به تنهایی پناهگاه نیستند؛ اینها کنار هم فقط نوعی مدیریت نااطمینانی‌اند.

همین چندجوابی بودن، خلاصه‌ی روال جهان ۱۴۰۵ است؛ جهانی که در آن، پناهگاه یک نقطه نیست، بلکه یک ترکیب است.

◀ ایران؛ چندپارگی در دل محدودیت

در مورد ایران، این بحث صرفاً نظری نیست. تورم مزمن، کاهش مستمر ارزش پول ملی و محدودیت‌های دسترسی به شبکه مالی جهانی سال‌هاست رفتار اقتصادی ایران را شکل داده‌اند. ریال در عمل بیشتر نقش ابزار پرداخت را ایفا می‌کند و برای ذخیره‌ی ارزش، طلا، ارز خارجی و در سال‌های اخیر رمزارزها مورد توجه قرار گرفته‌اند. در اقتصاد ایران، دلار فقط یک ارز خارجی نیست، بلکه لنگر انتظارات است و بسیاری از قیمت‌ها مستقیم یا غیرمستقیم براساس آن تنظیم می‌شوند.

با این حال، تضعیف احتمالی دلار در سطح جهانی لزوماً به تقویت ریال منجر نمی‌شود. متغیر تعیین‌کننده در داخل، کیفیت سیاست‌گذاری پولی و مالی و توان مهار انتظارات تورمی است. ۱۴۰۵ برای اقتصاد ایران سال تصمیم‌های دشوار خواهد بود؛ از نحوه مدیریت کسری بودجه گرفته تا چگونگی تأمین مالی دولت بدون تشدید تورم. نه می‌توان تمام‌قد زیر چتر دلار رفت،

دولت یا از شبکه بدهی‌ها؟ در رویکرد اقتصاد اتریشی که سیف‌الدین آموس در کتاب‌های «استاندارد بیت‌کوین» و «استاندارد فیات» بسط داده، تمایز میان پول سخت و پول آسان نقطه عزیمت است.

پول سخت به دلیل عرضه محدود و دشواری تولید، در برابر تورم مقاوم‌تر است؛ پلان نمونه‌ی تاریخی آن و بیت‌کوین نسخه دیجیتالی همین منطق تلقی می‌شود. در مقابل، پول فیات می‌تواند از طریق سیاست پولی و خلق اعتبار گسترش پیدا کند و همین قابلیت، به‌زعم این دیدگاه، زمینه‌ساز تورم‌های ساختاری است.

در برابر این رویکرد، اسوار پراساد در کتاب «آینده‌ی پول» تأکید می‌کند که فناوری‌های نوین لزوماً به حذف دولت منجر نمی‌شوند، بلکه شکل مداخله و تنظیم‌گری را تغییر می‌دهند. ارزهای دیجیتال بانک مرکزی تلاشی برای سازگار کردن پول حاکمیتی با عصر دیجیتال‌اند؛ تلاشی که می‌تواند کارایی پرداخت‌ها را افزایش دهد، اما هم‌زمان ظرفیت نظارت را نیز تقویت کند. در این چهارچوب، آینده‌ی پول نه میدان حذف، بلکه میدان بازآرایی نهادهاست.

یک گام عقب‌تر، دیوید گریبر در «بدهی: ۵ هزار سال نخست» یادآوری می‌کند که پول پیش از آنکه ابزار مبادله باشد، واحد ثبت بدهی بوده است. اگر پول از دل رابطه‌های اعتباری و ساختارهای قدرت زاده شده باشد، بحران بدهی دولت‌ها در عصر حاضر نه یک انحراف تاریخی، بلکه ادامه منطقی همان پیوند دیرینه میان اقتدار و اعتبار است. این سه نگاه، هرچند متفاوت، در یک نقطه به هم می‌رسند: پول بدون اعتماد پایدار نمی‌ماند و اعتماد نیز محصول ساختارهای نهادی است.

◀ پول به مثابه ابزار قدرت

تحولات سال‌های اخیر نشان داده که پول صرفاً وسیله‌ی مبادله نیست، بلکه ابزار ژئوپلیتیک است. تحریم‌های مالی، مسدودسازی دارایی‌های خارجی و محدودیت دسترسی به شبکه‌های پرداخت بین‌المللی نشان داده‌اند زیرساخت مالی جهانی خنثی و بی‌طرف نیست. همین تجربه، انگیزه‌ی کشورها برای ایجاد کانال‌های جایگزین و استفاده از ارزهای محلی در تجارت دوجانبه را تقویت کرده است. این روند را نباید فروپاشی نظم موجود دید، بلکه شایسته

◀ دلار؛ ستونی استوار، اما بی‌هاله

لحن تحلیل‌های بین‌المللی محتاط‌تر شده است. رسانه‌هایی مانند «اکنومیست» دیگر با قطعیت دهه‌های گذشته از «پناهگاه امن» دلار سخن نمی‌گویند. رشد بدهی عمومی آمریکا، کسری‌های ساختاری بودجه و مناقشات سیاسی پیرامون سقف بدهی و استقلال سیاست پولی، باعث شده تصویر دلار پیچیده‌تر از گذشته به نظر برسد. با این حال، باید میان تردید و افول تفاوت گذاشت. بازار مالی آمریکا همچنان عمیق‌ترین و نقدشونده‌ترین بازار جهان به شمار می‌رود و دلار همچنان ارز غالب در تجارت بین‌الملل و ذخایر ارزی محسوب می‌شود. اما آنچه تغییر کرده، جایگاه عینی دلار نیست، بلکه کیفیت ذهنی اعتماد به آن است.

«ری دالیو» کارآفرین، کارشناس مالی و سرمایه‌گذار شناخته‌شده آمریکایی در چهارچوب نظری «چرخه‌های بزرگ» استدلال می‌کند که نظم‌های پولی و ژئوپلیتیک دائمی نیستند و در طول زمان فرسوده می‌شوند. از نگاه او، زمانی که یک قدرت مسلط برای تأمین مالی کسری‌های خود به فروش گسترده بدهی متکی می‌شود و هم‌زمان از ابزارهای مالی برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیک استفاده می‌کند، سایر بازیگران به فکر کاهش وابستگی می‌افتند. البته، این روند الزاماً به معنای کنار گذاشتن دلار نیست، بلکه به معنای متنوع‌سازی ذخایر و کانال‌های پرداخت است.

دنیس اسنور، استاد دانشگاه آکسفورد، از منظر نهادی این موضوع را بررسی کرده است. او بر مجموعه‌ای از ستون‌های اعتماد تأکید می‌کند: ثبات اقتصاد کلان، عمق و نقدشوندگی بازارها، استقلال بانک مرکزی، آزادی جریان سرمایه، حاکمیت قانون و اعتماد ژئوپلیتیک. تضعیف هم‌زمان این ستون‌ها ممکن است حتی بدون نوعی شوک ناگهانی، نظام مالی جهانی را به دوره‌ای از بی‌ثباتی مزمن بکشاند.

بنابراین، بحث اصلی پایان دلار نیست، بلکه این است که یک ستون، حتی اگر هنوز بزرگ‌ترین باشد، برای تحمل وزن کل نظام کافی است یا خیر.

◀ پول؛ کمیابی، اقتدار یا بدهی؟

برای فهم وضعیت کنونی، باید به پرسشی بنیادی‌تر بازگشت: پول از چه چیزی مشروعیت می‌گیرد؟ از کمیابی، از اقتدار

عمر تراکتس



۷۹

اسفند ۱۴۰۴

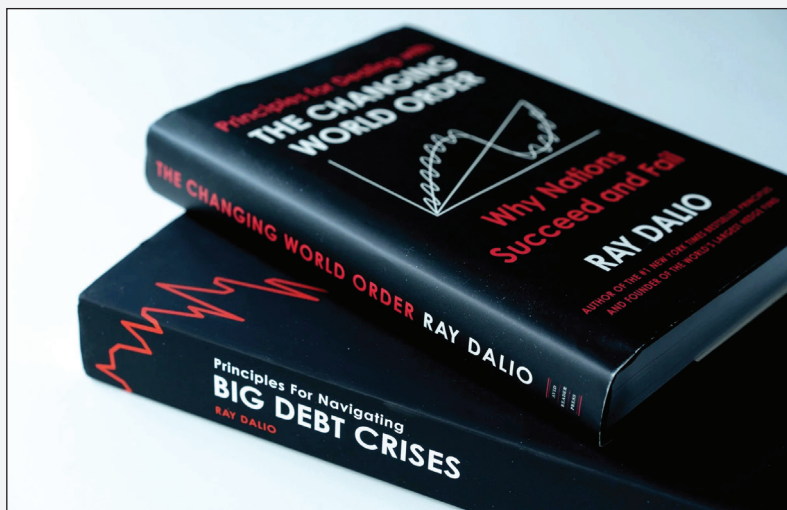
سال نهم
شماره صد و دوم

دنیس اسنور





اسوار پراساد



ری دالیو: «نظم جهانی فروپاشیده است»

دالیو در آخرین مقاله‌اش چه می‌گوید؟

ری دالیو با استناد به اظهارات رهبران غربی در کنفرانس امنیتی مونیک ۲۰۲۶، اعلام می‌کند که نظم جهانی پس از ۱۹۴۵ عملاً پایان یافته و جهان وارد دوره‌ای از «سیاست قدرت‌های بزرگ» شده است. از نگاه او، ما اکنون در مرحله‌ی ششم «چرخه‌ی بزرگ» قرار داریم، مرحله‌ای که بی‌نظمی، فقدان قواعد مؤثر و غلبه‌ی منطق قدرت بر قانون تعریفش می‌کند.

۴. جنگ سرمایه، تحریم و محدودیت دسترسی به بازارهای مالی؛

۵. جنگ نظامی، درگیری مستقیم نظامی. به اعتقاد او، اغلب جنگ‌های نظامی پس از یک دهه تنش در چهار حوزه‌ی نخست آغاز می‌شوند.

الگوی تاریخی: از رکود بزرگ تا جنگ جهانی دوم

دالیو با بررسی دهه‌ی ۱۹۳۰ نشان می‌دهد چگونه رکود بزرگ ۱۹۲۹ موجب شد پوپولیسیم، ملی‌گرایی افراطی و اقتدارگرایی در آلمان و ژاپن رشد کند. افزایش تعرفه‌ها، جنگ‌های ارزی، تحریم و مصادره‌ی دارایی‌ها، پیش‌درآمد جنگ گرم بودند. او تأکید می‌کند که پیش از آغاز رسمی جنگ جهانی دوم، یک «جنگ اقتصادی و سرمایه‌ای» گسترده جریان داشت. در نهایت، وقتی مسائل «وجودی» حل نشده باقی بمانند، جنگ نظامی اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

منطق قدرت و معضل زندانی

از دید دالیو، خطرناک‌ترین وضعیت زمانی است که:
• دو قدرت بزرگ از نظر نظامی تقریباً هم‌تراز باشند؛

چهارچوب نظری: چرخه‌ی نظم و بی‌نظمی

دالیو توضیح می‌دهد که روابط بین کشورها، مانند روابط درون کشورها، در یک چرخه‌ی شش مرحله‌ای میان نظم و آشوب حرکت می‌کنند. تفاوت اصلی این است که در عرصه بین‌الملل، سازوکارهای اجرایی قانون ضعیف‌اند؛ بنابراین «قدرت سخت» تعیین‌کننده‌ی نهایی است، نه نهادهایی مانند سازمان ملل.

به باور او، هر نظم جهانی زمانی شکل می‌گیرد که یک جنگ بزرگ، تکلیف برتری قدرت‌ها را روشن کند. سپس دوره‌ای طولانی از صلح و شکوفایی آغاز می‌شود، اما همین دوره، بدر رقابت و فروپاشی بعدی را در خود می‌پروراند.

پنج نوع جنگ میان کشورها

دالیو منازعات میان قدرت‌ها را در پنج دسته طبقه‌بندی می‌کند:

۱. جنگ تجاری و اقتصادی، تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری؛
۲. جنگ فناوری، کنترل انتقال فناوری‌های راهبردی؛
۳. جنگ ژئوپلیتیک، رقابت بر سر قلمرو و اتحادها؛

چون دسترسی و ریسک سیاسی همواره متغیری فعال است؛ نه می‌توان با خیال راحت به رمزارزها تکیه کرد، چون ریسک مقرراتی و نوسان بخشی جدایی‌ناپذیر از آنهاست. حتی طلا نیز در نهایت در دل بازاری داخلی معامله می‌شود که از سیاست و مقررات جدا نیست.

در چنین فضایی، استاندارد واحد عملاً جای خود را به سبدهای از دارایی‌های ناهمگون داده است که هرکدام ریسک‌های خاص خود را دارند. این وضعیت نوعی چندقطبی‌سازی اجباری را رقم زده که حاصل هم‌زمان محدودیت خارجی و بی‌ثباتی داخلی است.

پرسش «کدام دارایی امن‌تر است؟» به تدریج جای خود را به پرسش عملی‌تری داده است: چگونه می‌توان ریسک‌ها را طوری توزیع کرد که یک شوک سیاسی یا اقتصادی، همه چیز را هم‌زمان متلاطم نکند؟

زندگی بدون پناهگاه مطلق

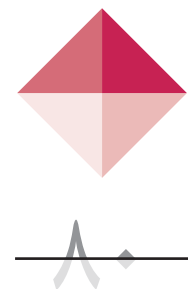
سناریوهای پیش رو روشن‌اند: تداوم سلطه‌ی دلار همراه با نوسان بیشتر، حرکت تدریجی به سوی نظم چندقطبی، یا بروز یک شوک بدهی که دارایی‌های سخت را به شدت تقویت کند. محتمل‌ترین مسیر، ترکیبی از تداوم و چندقطبی شدن است؛ دلاری که همچنان مهم است، اما بی‌رقیب نیست. در چنین جهانی، مفهوم پناهگاه مطلق کمرنگ می‌شود و ذخیره‌ی ارزش میان دارایی‌های مختلف توزیع می‌شود.

در نهایت، پرسش اصلی سال ۱۴۰۵ نه پیروزی طلاست، نه سقوط دلار و نه غلبه بیت‌کوین. پرسش این است که کدام نهاد می‌تواند اعتماد را حفظ کند و قواعد بازی را قابل پیش‌بینی نگه دارد. زیرا اگر هم‌زمان استاندارد جهانی متزلزل شود و نهاد داخلی نیز بی‌ثبات باشد، هیچ دارایی خارجی به‌تنهایی نمی‌تواند زمین سفتی فراهم کند. بی‌پناهی واقعی نه در تنوع دارایی‌ها، بلکه در فقدان نهادهای قابل اعتماد رخ می‌دهد.

شاید واقع‌بینی ۱۴۰۵ همین باشد: پذیرفتن اینکه دیگر در جهانی با «یک راه‌حل سراسر» زندگی نمی‌کنیم؛ نه یک ارز، نه یک بازار، نه یک نسخه.

زندگی در عصر چند ستون لرزان، بیش از هر چیز به نهادهای باثبات و ذهنیتی عادت کرده به عدم قطعیت نیاز دارد؛ مهارتی برای کنار آمدن با نااطمینانی، نه توهم حذف آن

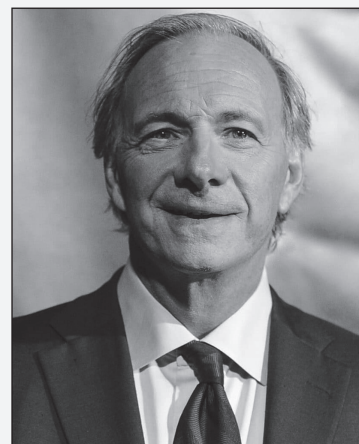
مهرتراکس



ASAE TARA HONESH.IR

ماهنامه اختصاصی مدیران فناوری‌های مالی ایران





● اختلافاتشان ماهیتی وجودی و غیرقابل مصالحه داشته باشد. او تنش آمریکا و چین بر سر تایوان را نمونه بالقوه چنین وضعیتی می‌داند.

بزرگ‌ترین تهدید، «معضل زندانی» و تشدید تدریجی تنش‌هاست؛ جایی که هر طرف برای جلوگیری از ضعف، اقدام تهاجمی طرف مقابل را تلافی می‌کند و چرخه‌ای از تصاعد شکل می‌گیرد.

◀ اصول پیشنهادی دالیو

دالیو چند اصل کلیدی را برجسته می‌کند:

- قدرت داشته باش، قدرت را محترم بشمار و آن را عاقلانه به کار ببر؛
- مذاکره برای رسیدن به راه‌حل برد-برد بهتر از جنگ برد-باخت است؛
- درک خطوط قرمز طرف مقابل برای اجتناب از جنگ حیاتی است؛
- جنگ‌ها تقریباً همیشه بدتر از تصورمان پیش می‌روند.

او تأکید می‌کند که اگر امپراتوری‌ها بتوانند هم‌زمان «رفاه داخلی» و «توان نظامی» را تأمین کنند و بیش از آنچه خرج می‌کنند تولید داشته باشند، می‌توانند چرخه افول را به تعویق بیندازند، اما هیچ قدرتی برای همیشه مسلط نمی‌ماند.

از نظر دالیو، نظم آمریکامحور پس از جنگ جهانی دوم در حال جایگزینی با نظامی چندقطبی است که در آن قانون ضعیف‌تر و رقابت قدرت‌ها شدیدتر است. اگر رقابت‌ها به درستی مدیریت نشوند، مسیر کلاسیک تاریخ، یعنی گذار از جنگ اقتصادی به جنگ نظامی، ممکن است تکرار شود.

پیام اصلی او هشدار است: جهان وارد مرحله‌ای از چرخه تاریخی شده که در آن بی‌نظمی، رقابت بر سر ثروت و قدرت و خطر درگیری‌های بزرگ افزایش یافته است؛ اما با مدیریت هوشمندانه قدرت و ایجاد سازوکارهای برد-برد، می‌توان از فاجعه جلوگیری کرد. ◆

تازه‌ترین گزارش «نیوزویک» می‌گوید در آینده پول، مسئله اعتماد مطرح است نه فناوری

گزارش «نیوزویک» با محوریت گفت‌وگو با سباستین سیمیاتکوفسکی، مدیرعامل کلارنا، به آینده پول در تقاطع هوش مصنوعی، فین‌تک و رمزارز می‌پردازد. او می‌گوید بانک‌ها برای بازسازی اعتماد عمومی، باید از الگوی سنتی «مرمر، کت و شلوار و فاصله رسمی» فاصله بگیرند و به زبان مشتری حرف بزنند. کلارنا با مدل «الان بخر، بعداً پرداخت کن» به عنوان جایگزینی برای کارت اعتباری رشد کرده است و از هوش مصنوعی برای شخصی‌سازی تجربه مشتری و حتی مذاکره خودکار برای کاهش هزینه وام مسکن استفاده می‌کند.



منتقدان درباره ریسک‌های حریم خصوصی، مسئولیت خطاهای هوش مصنوعی و گسترش نابرابری هشدار می‌دهند. گزارش نیوزویک همچنین به نقش رمزارزها، حمایت ترامپ از بیت‌کوین و چالش‌های زیرساخت پرداخت در آمریکا می‌پردازد. در نهایت، مسئله اصلی همچنان «اعتماد» است: فقط ۱۹ درصد آمریکایی‌ها به استفاده از هوش مصنوعی در خدمات مالی اعتماد دارند، در مقابل ۴۸ درصد مخالفانند. آینده پول، مسئله اعتماد است نه فناوری.

◀ از کلارنا تا بیت‌کوین؛ چه کسی برنده بازطراحی نظام مالی خواهد بود؟

گزارش اخیر «نیوزویک» درباره کلارنا و مدیرعامل آن، سباستین سیمیاتکوفسکی، در ظاهر گفت‌وگویی شرکتی است، اما در لایه عمیق‌تر، تصویری از نبرد ساختاری را نشان می‌دهد؛ نبرد میان بانک‌های سنتی، فین‌تک‌ها، هوش مصنوعی و رمزارزها بر سر یک متغیر کلیدی: اعتماد.

در جهانی که پس‌لرزه‌های بحران ۲۰۰۸، شوک همه‌گیری کرونا و تورم‌های مزمن همچنان در حافظه جمعی باقی است، فناوری به تنهایی کافی نیست. مسئله این است که چه کسی می‌تواند اعتماد ازدست‌رفته را بازتولید کند.

◀ BNPL؛ ساده‌سازی خرید یا بازتعریف ریسک؟

کلارنا با مدل «الان بخر، بعداً پرداخت کن» یا BNPL توانسته بخشی از بازار کارت اعتباری را جذب کند. طبق گزارش، یک نفر از هر پنج آمریکایی از این مدل استفاده کرده است و تا پایان دهه حجم بازار آن از ۱۲۲.۳ میلیارد دلار به ۱۸۴.۱ میلیارد دلار خواهد رسید. در مقابل، بدهی کارت‌های اعتباری آمریکا به ۱.۲ تریلیون دلار رسیده و نرخ نکول آن حدود ۸.۵ درصد است،

در صورتی که کلارنا مدعی نکول کمتر از یک درصد است.

این اعداد یک پیام روشن دارند:

رقابت اصلی دیگر بر سر «ابزار پرداخت» نیست، بلکه بر سر «مدیریت داده و ریسک» است. BNPL نشان می‌دهد اگر تجربه کاربری ساده، شفاف و بدون بهره‌ی مستقیم ارائه شود، مشتری حاضر است مدل اعتباری جدید را بپذیرد.

اما این موفقیت یک روی دیگر هم دارد. منتقدان هشدار می‌دهند عادی‌سازی خرید اقساطی این قابلیت را دارد که بدهی را در رفتار نسل جوان تثبیت کند. در نتیجه، برنده این میدان صرفاً پلتفرمی نیست که رشد سریع‌تری دارد، بلکه آن است که بتواند مدل اعتبارسنجی دقیق‌تری ارائه دهد و ریسک را پایدار مدیریت کند.

این نکته برای بازار ایران بسیار کلیدی است. لندتک‌های ایرانی با مشکلاتی همچون محدودیت داده‌های اعتباری رسمی، نبود بانکداری باز کامل و چالش‌های مقرراتی مواجه‌اند. بنابراین، مسئله اصلی سرمایه نیست، بلکه دسترسی به داده استاندارد و توان تحلیل رفتاری است. ◆

عمر تراکتس



اسفند ۱۴۰۴

سال نهم
شماره صد و دوم



سیاستین سییمیاتوفسکی
مدیرعامل کلارنا

هوش مصنوعی؛ از ابزار پشتیبانی تا نماینده مالی خودمختار

جاه طلبی کلارنا فراتر از BNPL است. ایده‌ای که در این گزارش مطرح می‌شود، «دستیار مالی دیجیتال» است؛ سیستمی مبتنی بر هوش مصنوعی که وام مسکن‌تان را تحلیل کند، بانک بهتر را بیابد، مذاکره کند و قرارداد را آماده سازد و شما فقط تأیید نهایی را بدهید.

اگر چنین مدلی عملی شود، سه تحول بنیادین رخ می‌دهد:

نخست، چسبندگی مشتری به بانک‌ها از بین می‌رود. بخش مهمی از سود بانک‌ها ناشی از اصطکاک جابه‌جایی است. وقتی تغییر بانک ساده و خودکار شود، رقابت واقعی آغاز می‌شود.

دوم، قدرت چانه‌زنی به مصرف‌کننده منتقل می‌شود. بانک دیگر «مالک رابطه» نیست، بلکه یکی از گزینه‌های روی میز است.

سوم، مسئله مسئولیت حقوقی برجسته می‌شود. چه کسی پاسخ‌گوست اگر الگوریتم خطا کند؟ اعتماد عمومی هنوز پایین است؛ فقط ۱۹ درصد آمریکایی‌ها به استفاده از هوش مصنوعی در خدمات مالی اعتماد دارند و ۴۸ درصد مخالف‌اند.

این تردید عمومی نشان می‌دهد آینده مالی مبتنی بر هوش مصنوعی بیش از آنکه مسئله مهندسی باشد، مسئله حکمرانی داده و چهارچوب‌های مسئولیت است.

در ایران، پیش از آنکه به «دستیار مالی خودمختار» فکر کنیم، باید زیرساخت اشتراک‌گذاری داده و هویت دیجیتال یکپارچه تقویت شود. در غیر این صورت، هوش مصنوعی به ابزار بازاریابی تبدیل می‌شود نه موتور تصمیم‌سازی.

رمزارز؛ جایگزین نظام بانکی یا مکمل آن؟

گزارش به حمایت‌های سیاسی از بیت‌کوین، رشد قیمت آن تا بالای ۱۲۰ هزار دلار و سپس سقوط به حدود ۷۰ هزار دلار اشاره می‌کند. با این حال، فقط حدود ۱۵ درصد آمریکایی‌ها مالک رمزارز هستند و سه چهارم افراد طلا را به بیت‌کوین ترجیح می‌دهند.

این آمار نشان می‌دهد رمزارز هنوز بیشتر یک دارایی سرمایه‌گذاری است تا ابزار پرداخت فراگیر. حتی در اقتصاد آمریکا بازیرساخت پیشرفته، استفاده روزمره از بیت‌کوین محدود است.

اما در ایران، نقش رمزارز متفاوت است. اینجا رمزارز برای بخشی از جامعه ابزار حفظ ارزش و پوشش ریسک ارزی است، نه صرفاً ابزار سرمایه‌گذاری. بنابراین، تحلیل آینده پول

عمر تراکتش



۸۲

ASAEETARAHONESH.IR

ماهنامه اختصاصی مدیران فناوری‌های مالی ایران



۱ نفر

از هر ۵ آمریکایی از خدمات BNPL استفاده کرده‌اند.

۱,۸۴,۱ میلیارد دلار

حجم بازار BNPL از ۱۲۲.۳ میلیارد دلار به ۱۸۴.۱ میلیارد دلار تا پایان دهه می‌رسد.

۸,۵ درصد

نرخ نکول مشتریان کلارنا کمتر از یک درصد است، اما نرخ نکول کارت اعتباری حدود ۸.۵ درصد است.

۶,۵۰۰ دلار

بدهی کارت‌های اعتباری آمریکا به ۱.۲ تریلیون دلار رسیده، با میانگین مانده حدود ۶,۵۰۰ دلار برای هر دارنده کارت.

۱۹ درصد

فقط ۱۹ درصد آمریکایی‌ها به استفاده از هوش مصنوعی در خدمات مالی اعتماد دارند.

بدون در نظر گرفتن زمینه اقتصاد سیاسی هر کشور ناقص خواهد بود.

زیرساخت پرداخت؛ میدان رقابت پنهان

یکی از مهم‌ترین بخش‌های گزارش، به ضعف زیرساخت پرداخت آمریکا اشاره دارد. بخش عمده‌ای از پرداخت‌ها هنوز از طریق ACH انجام می‌شود که ممکن است چند روز طول بکشد. FedNow راه‌اندازی شده، اما عضویت در آن اختیاری است. همچنین گزارش سنا از بیش از ۱۹۰ هزار مورد کلاهبرداری در Zelle و ۲۱۳ میلیون دلار خسارت سخن می‌گوید.

این نکته برای ایران قابل توجه است. در پرداخت خرد، شبکه کارت‌محور و تسویه تقریباً لحظه‌ای ایران مزیت مهمی محسوب می‌شود. اما در لایه‌های بالاتر، مانند اعتبارسنجی، بانکداری باز و مدیریت ریسک داده‌محور، فاصله قابل توجهی وجود دارد.

برنده چه کسی است؟

آینده پول صرفاً در دست فین‌تک‌ها، بانک‌های سنتی و رمزارزها نیست. آینده در اختیار نهادی است که سه شرط را هم‌زمان برآورده کند:

- کاهش اصطکاک در تجربه کاربری؛
 - قیمت‌گذاری دقیق و شفاف ریسک؛
 - و بازتولید اعتماد در مقیاس گسترده.
- فناوری شرط لازم است، اما کافی نیست. همان‌طور که گزارش نشان می‌دهد، حتی پیشرفته‌ترین ایده‌های هوش مصنوعی نیز بدون اعتماد عمومی راه به جایی نمی‌برند. اگر بخواهیم این تحلیل را به فضای ایران تعمیم بدهیم، پرسش کلیدی این است:

آیا بازبگران مادر حال رقابت بر سر فناوری هستند یا بر سر اعتماد؟

زیرا در نهایت، آینده پول در کدها، توکن‌ها و تبلیغات سلبریتی‌ها نیست، بلکه در پاسخ به همین سؤال تعیین خواهد شد.

۲۰۲۶ را می‌توان سال «حاکمیت» نامید؛ سالی که در آن بقا و رشد، نه با گسترش بی‌محابا بلکه با تملک آگاهانه رقم می‌خورد: مالک داده‌های خود باشید، مالک روابط خود باشید و با تنوع بخشی هوشمندانه به بانکداری و جریان‌های درآمدی، پیرامون کسب‌وکارتان یک دژ مستحکم بسازید.

قرار نیست برای همه، همه‌چیز باشید. شفاف و متمرکز بمانید، با قالب و طول محتوا آزمایش کنید و مسیر حرکت‌تان را خودتان هدایت کنید؛ رشد پایدار دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود. ♦

دلار خطرناک

در پرونده «The Dangerous Dollar»، اکونومیست تصویری نگران‌کننده از آینده ارز آمریکا ترسیم می‌کند. در سرمقاله «The Dangerous Dollar» هشدار می‌دهد که ترکیب سیاست‌های تجاری، کسری‌های فزاینده و فشار بر فدرال رزرو می‌تواند دلار را به ارزی ضعیف‌تر و پرنوسان‌تر بدل کند. در «Greenback to the Wall» کاهش جذابیت دلار به عنوان ارز ذخیره و چرخش سرمایه‌ها بررسی می‌شود. و در «Warshonomics 101» پیامدهای دیدگاه‌های کوین وارث برای سیاست پولی و ثبات دلار واکاوی می‌شود.

The Dangerous Dollar

«اکونومیست» استدلال می‌کند که بازارها در ظاهر آرام‌اند، اما زیر پوست بازار، ریسک دلار در حال افزایش است. از بالاترین قیمتی که در ژانویه ۲۰۲۵ داشت، دلار حدود ۱۰ درصد در برابر سیدی از ارزشها تضعیف شده است. هم‌زمان، رفتارهای تجاری و مالی دولت ترامپ، افزایش کسری بودجه و فشار بر فدرال رزرو، به بی‌ثباتی‌های مقطعی انجامیده که در آنها هم‌زمان سه دارایی اصلی آمریکا، سهام، اوراق و ارز، افت کرده‌اند؛ رفتاری که بیشتر به اقتصادهای نوظهور شبیه است. این مطلب هشدار می‌دهد که حتی اگر جایگزین جدی برای دلار وجود نداشته باشد، فرسایش «جایگاه امن» آن می‌تواند ادامه یابد، به‌ویژه اگر سیاست پولی با کاهش نرخ بهره، هم‌زمان با محرک‌های مالی، دوباره تورم را شعله‌ور کند.

Greenback To the Wall

این گزارش بر تغییر ترکیب تقاضای جهانی برای دارایی‌های دلاری تمرکز دارد. سهم دلار در ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی از ۷۲ درصد در ۱۹۹۹ به ۵۷ درصد رسیده است. اما نکته مهم‌تر: وزن ذخایر رسمی در کل سرمایه‌گذاری پرتفوی آمریکا کوچک شده و امروز فقط ۱۳ درصد از دارایی‌های پرتفوی خارجی در آمریکا را تشکیل می‌دهد. در مقابل، سهم سهام آمریکا در سبد خارجی‌ها به رکورد ۵۸ درصد رسیده است. این یعنی اتکالی دلار بیش از گذشته به عملکرد بازار سهام و به‌ویژه شرکت‌های فناوری است. اگر سهام آمریکا دچار افت ساختاری شود، مکانیزم بازتخصیص شاخص‌های جهانی به فروش بیشتر دارایی‌های دلاری و تضعیف بیشتر ارز منجر می‌شود؛ چرخه‌ای که یادآور افت ۴۰ درصد دلار در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ است.

Warshonomics 101

این مقاله از پرونده اکونومیست به دیدگاه‌های کوین وارث، نامزد ریاست فدرال رزرو، می‌پردازد. وارث که سابقه‌ای «هاوک‌ش» دارد، اخیراً به دلیل امید به جهش بهره‌وری

جمع‌بندی راهبردی

پیمام مشترک این پرونده روشن است: دلار هنوز بی‌رقیب است، اما «بی‌رقیب بودن» معادل «بی‌خطر بودن» نیست. ساختار تقاضا برای دارایی‌های دلاری تغییر کرده، وابستگی آن به بازار سهام و جریان سرمایه ریسکی افزایش یافته و سیاست پولی در آستانه ورود به فاز نامطمئن قرار دارد. در چنین محیطی، نوسان‌پذیری و فرسایش تدریجی، سناریوی محتمل‌تری نسبت به سقوطی ناگهانی است.

ناشی از هوش مصنوعی، از کاهش نرخ بهره حمایت کرده است. او همچنین خواهان کوچک‌سازی ترانزنامه فدرال رزرو است. ترکیب کاهش نرخ کوتاه‌مدت و فروش اوراق بلندمدت می‌تواند منحنی بازده را شیب‌دار کند. اما «اکونومیست» هشدار می‌دهد که اگر تورم هنوز بالای هدف ۲ درصد باشد، چنین سیاستی ممکن است دوباره به فشار تورمی و تضعیف دلار بینجامد، به‌ویژه در شرایطی که سرمایه‌گذاران نسبت به استقلال بانک مرکزی حساس شده‌اند.



۱۰٫۱
درصد

کاهش ارزش دلار از
اوچش در ژانویه ۲۰۲۵
تا زمان انتشار گزارش

۷۲٫۲ → ۵۷
درصد

افت سهم دلار در
ذخایر ارزی جهانی از
۱۹۹۹ تا کنون

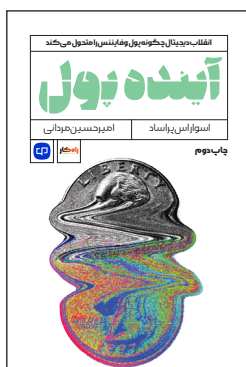
عمر تراکتس

داستان
جلد

۸۳
اسفند ۱۴۰۴
سال نهم
شماره صد و دوم

۱۳٫۳
درصد

سهم فعلی ذخایر
رسمی و دارایی‌های
دولتی از کل پرتفوی
خارجی در آمریکا؛
پایین‌ترین سطح
مدرن



◀ آینده پول اسوار پراساد

کتاب «آینده پول» تصویری جامع از تحول پول در عصر دیجیتال ارائه می‌دهد. پراساد، اقتصاددان و مدیر پیشین صندوق بین‌المللی پول، با نگاهی تحلیلی و کمتر ایدئولوژیک، ظهور رمزارزها، فین‌تک‌ها و ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی را بررسی می‌کند. او استدلال می‌کند که آینده پول نه در حذف دولت‌ها، بلکه در بازآرایی نقش آنها شکل می‌گیرد. بانک‌های مرکزی برای حفظ کارایی سیاست پولی و جایگاه خود، به توسعه ارزهای دیجیتال ملی روی آورده‌اند؛ پدیده‌ای که هم فرصت‌هایی برای فراگیری مالی و کاهش هزینه مبادله ایجاد می‌کند و هم مخاطراتی برای حریم خصوصی و ثبات مالی به همراه دارد. پراساد ستایش بی‌قید نوآوری و دفاع بی‌چون‌وچرا از وضع موجود را کنار گذاشته و به تحلیل نیروهایی که در حال بازتعریف مفهوم پول هستند روی آورده است. «آینده پول» خواننده را به داشتن نگاهی واقع‌گرایانه به تحول نظام پولی دعوت می‌کند.



◀ استاندارد فیات سیف‌الدین آموس

«استاندارد فیات» ادامه منطقی پروژه فکری آموس است؛ تحلیلی انتقادی از نظام پولی مبتنی بر بدهی که امروز بر اقتصاد جهانی حاکم است. نویسنده توضیح می‌دهد پول فیات نه صرفاً فرمان دولت، بلکه محصول سازوکار خلق اعتبار در شبکه بانکی است؛ جایی که هر وام جدید به گسترش عرضه پول و فرسایش قدرت خرید می‌انجامد. آموس پارافراتر می‌گذارد و اثرات این نظام را در معماری، تغذیه، علم و فرهنگ جست‌وجو می‌کند. از نگاه او، تورم مزمن و افزایش ترجیح زمانی، کیفیت تولیدات مادی و فکری را تضعیف کرده و تمدن را به چرخه بدهی دائمی سوق داده است. در بخش پایانی کتاب، بیت‌کوین راهکاری فناورانه معرفی می‌شود؛ سیستمی غیرسیاسی و مبتنی بر قواعد شفاف که می‌تواند ذخیره ارزش در زمان و انتقال ارزش در مکان را توأمان فراهم کند. این کتاب بیانیه‌ای رادیکال علیه نظم پولی معاصر است.



◀ استاندارد بیت‌کوین سیف‌الدین آموس

این کتاب تلاشی نظام‌مند برای فهم بیت‌کوین در بستر تاریخ پول است. آموس با تکیه بر سنت اقتصاد اتریشی، سیر تحول پول را از کالاهای اولیه تا طلا و سپس ارزهای فیات روایت می‌کند و مفهوم «پول سالم» را در برابر «پول دولتی» قرار می‌دهد. هسته استدلال او بر کمیابی استوار است. سیف‌الدین آموس با استفاده از شاخص «نسبت موجودی به جریان» توضیح می‌دهد چرا طلا قرن‌ها نقش ذخیره ارزش را ایفا کرده و چگونه بیت‌کوین، با عرضه محدود ۲۱ میلیون واحدی، به نوعی کمیابی مطلق دست یافته است. در این چهارچوب، پول سالم ترجیح زمانی را کاهش می‌دهد و رفتارهای آینده‌نگر، پس‌انداز و انباشت سرمایه را تقویت می‌کند. کتاب نه یک راهنمای فنی، بلکه دفاعیه‌ای نظری از بیت‌کوین به عنوان استاندارد پولی بالقوه عصر دیجیتال است؛ استانداردی که به باور نویسنده می‌تواند جایگزین بانکداری مرکزی شود.



◀ بدهی: پنج هزار سال نخست دیوید گریبر

این کتاب روایتی جسورانه از تاریخ بدهی در پنج هزار سال گذشته است؛ روایتی که بنیان‌های روایت کلاسیک اقتصاد درباره منشأ پول را به چالش می‌کشد. گریبر، انسان‌شناس برجسته، با رد «افسانه تهاتر» نشان می‌دهد پیش از سکه و بازار، شبکه‌های اعتباری و تعهدات اجتماعی وجود داشته‌اند و بدهی، نه استثنا بلکه قاعده سازمان‌دهنده جوامع انسانی بوده است. او نشان می‌دهد چگونه مفاهیم اخلاقی مانند گناه، بخشش و رستگاری در زبان بدهی ریشه دارند و چگونه ساختارهای قدرت، از امپراتوری‌های باستان تا نظام مالی مدرن، از بدهی برای مشروعیت‌بخشی به نابرابری استفاده کرده‌اند. این کتاب در پرتوی بحران مالی ۲۰۰۸ نیز خوانده می‌شود؛ نقدی بنیادین بر رابطه میان خشونت، دولت و اعتبار. کتاب «بدهی: پنج هزار سال نخست» صرفاً تاریخ اقتصادی نیست، بازاندیشی در این پرسش است که چرا وعده پرداخت چنین نیرویی در سازمان‌دهی جهان داشته است.

مهرتراکتس



ASARETAAAHONESH.IR

ماهنامه اختصاصی مدیران فناوری‌های مالی ایران



مروری بر دوازده ماه پرتنش ۱۴۰۴؛ سالی مملو از تصمیم‌ها، بحران‌های پی‌درپی و آزمون بزرگ تاب‌آوری برای صنعت مالی کشور

اخبار یک سال بی‌سابقه

در این مطلب کوشیده‌ایم تصویری منسجم از صنعت مالی کشور در سال ۱۴۰۴ ارائه دهیم و مهم‌ترین رخداد‌های هر ماه را کنار هم قرار دهیم؛ سالی که نه تنها برای این صنعت، بلکه برای کل اقتصاد ایران سالی پرتنش و سرشار از رویدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر بود. تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران صرفاً یک حادثه نظامی نبود، بلکه شوکی جدی به روند عادی زندگی و فعالیت‌های اقتصادی وارد کرد. جنگ ۱۲ روزه، از آسیب به زیرساخت‌ها و اختلال در خدمات گرفته تا تشدید فضای نااطمینانی و نگرانی اجتماعی، بر لایه‌های مختلف اقتصاد و کسب‌وکارها اثر گذاشت. در کنار این تحولات، قطعی گسترده اینترنت در دی‌ماه نیز فشار مضاعفی بر فعالیت‌های اقتصادی وارد کرد. با این حال، تداوم فعالیت بنگاه‌ها و کسب‌وکارها، نشانه‌ای از تاب‌آوری کشور بود. صنعت مالی نیز در دل این بحران‌ها، هم‌زمان با مواجهه با محدودیت‌ها، حملات سایبری، چالش‌های تنظیم‌گری و تغییرات مدیریتی، مسیر خود را ادامه داد و علاوه بر تنش‌ها، شاهد اصلاحات ساختاری و تصمیم‌های مهم نیز بود. آنچه در ادامه می‌خوانید، مروری اجمالی بر فراز و فرودهای این سال است.



اسفند ۱۴۰۳ و فروردین ۱۴۰۴

در واپسین روزهای سال ۱۴۰۳ و آغاز سال ۱۴۰۴، صنعت مالی ایران شاهد دو رویداد مهم و تأثیرگذار بود؛ یکی در حوزه مالکیت و دیگری در حوزه سیاست‌گذاری. اسفندماه ۱۴۰۳ با جابه‌جایی بزرگ در سهام شرکت آسان‌پرداخت و ورود بانک شهر به‌عنوان سهام‌دار عمده این شرکت PSP به پایان رسید؛ انتقالی که به معنای پایان یک دوره ۱۵ ساله برای هم‌بنیان‌گذاران آپ بود.

در ادامه نیز ترکیب جدید هیئت‌مدیره این شرکت معرفی شد و بانک شهر، شرکت فن‌آوران ایمن شبکه فاش، شرکت راهبرد هوشمند شهر، شرکت گسترش فناوری‌های نوین و صندوق رفاه و تأمین آتیه به‌عنوان اعضای حقوقی هیئت‌مدیره جدید آپ منصوب شدند. از سوی دیگر، فروردین‌ماه ۱۴۰۴ با چالشی جدی برای کسب‌وکارهای آنلاین آغاز شد؛ محدودیت‌هایی که بانک مرکزی در روزهای پایانی سال برای تسویه حساب این کسب‌وکارها اعمال کرده بود. براساس این محدودیت‌ها، سقف برداشت غیرحضوری به ۴ میلیارد ریال برای هر تراکنش و سقف روزانه نیز به ۲۰ میلیارد ریال محدود شد. قرار بود این محدودیت‌ها تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۴ ادامه داشته باشد، اما در نهایت در تاریخ ۵ فروردین و در پی واکنش گسترده فعالان این حوزه و برخی نهادهای صنفی، لغو شد.



اردیبهشت

در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴، صنعت مالی ایران شاهد تحولاتی مهم و بعضاً چالش‌برانگیز بود که مهم‌ترین آنها، مواضع قاطعانه بانک مرکزی در قبال **نئوبانک‌ها** و **صرافی‌های رمزارز** بود. هرچند انتصاب‌های متعدد در این صنعت، مانند تغییر مدیران در شرکت‌های داده‌کاوان هوشمند توسن، همراه کسب‌وکارهای هوشمند، ستاره اول، تفاس، آپ، مانی‌تک، فن‌آواکارت و تک‌وست، توجهات زیادی را جلب کرد و نشان‌دهنده آرایش تازه مدیریتی برای مواجهه با شرایط جدید بازار بود، اما تحولات مقرراتی و سیاستی، در صدر اخبار قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین رویدادهای اردیبهشت‌ماه، خط و نشان **بانک مرکزی** برای نئوبانک‌ها بود. اعلام پایان دوره فعالیت واحدهای مالی فاقد مجوز و تأکید بر لزوم تطبیق نئوبانک‌ها با استانداردهای نظارتی رسمی، نشان داد

خرداد

خرداد را می‌توان یکی از پرتنش‌ترین مقاطع صنعت مالی ایران دانست؛ دوره‌ای که از اوج‌گیری اختلاف‌نظرها بر سر تنظیم‌گری رمزارزها تا حملات سایبری پس از جنگ، همه‌چیز رنگ بحران به خود گرفت. خردادماه برای فعالان حوزه رمزارز، ماهی سرشار از دغدغه‌های جدی بود. از یک سو، بانک مرکزی بار دیگر بر انحصار خود در تنظیم‌گری این حوزه تأکید کرد و هشدار داد که واگذاری این مسئولیت به دیگر نهادها «بسیار خطرناک و غیرمسئولانه» خواهد بود. در سوی دیگر، وزارت ارتباطات در واکنش به این موضع‌گیری، تصریح کرد که بانک مرکزی تنها در حوزه «رمزپول» صلاحیت دارد و رمزارزهایی مانند بیت‌کوین و اتریوم، باید در قالبی چندنهادی و با مشارکت تمام ذی‌نفعان مدیریت و تنظیم‌گری شوند.

عمر تراکنش

دیدبان

اسفند ۱۴۰۴

سال نهم
شماره صد و دوم